

ترور شخصیت و اعلیحضرت

**آنچه برای پیروزی شر مورد نیاز است
این است که آدمهای خوب دست روی دست بگذارند و کاری نکنند**

«ادموند برگ»

امیرفیض- حقوقدان

چند ماه قبل اعلیحضرت در مصاحبه ای به دوران گذشته و مشارکت یهودیان و مسیحیان در تیم فوتبال خودشان اشاراتی داشتند که بطور عادی به حساب یادهای تاریخی دوران شاهنشاه ایران منظور میشد.

گفتگوی مزبور یکسال بعد از مصاحبه کانال اول تلویزیون اسرائیل با اعلیحضرت بود که در آن مصاحبه اعلیحضرت تقاضای کمک مالی و تدارکاتی از اسرائیل را عنوان فرمودند و گویا در همان مصاحبه بود که اعلام کردند اسرائیل بهتر است بجای حمله هوایی به ایران به مخالفان جمهوری اسلامی کمک کند.

بنده که روی مواضع اعلیحضرت دقت و حساسیت میهنی و حقوقی دارم و به خُلق و خوی سیاسی اعلیحضرت هم به اعتبار مصاحبه هایشان که غالباً به نقد کشیده شده است آگاهی نسبی دارم برای مصاحبه های مزبور زیاد نگران نشدم.

مدتی نگذشت که سید علی دریکی از صحبت‌هایش اشاره ای نه چندان آشکار توأم با طعنه به فعالیت های سلطنت طلبان داشت که بنده قدری حساس شدم که چنین اشاره ای برای چیست؟ اعلیحضرت که فعالیت جدی ندارند که موجب نگرانی سید علی گردد.

طولی نکشید که جریان هالوکاست نیویورک و آن فاجعه عظیم غیرقابل انتظار یعنی اعلام و تصدیق طرفداری اعلیحضرت از اسرائیل شهره عام و خاص گردید.

اما ترورشخصیت

زویای این تحریر گفتگوی کوتاهی را درباره شخصیت لازم دارد.

شخصیت زنجیره ای از اظهارات، اقدامات و اعتبارات است که سبب ایجاد منزلت خاص در افکار عمومی برای شخص میگردد.

شخصیت دونوع است شخصیت ذاتی و معنوی و یکی هم شخصیت اکتسابی.



رابای شمولی بوتک در دیدار با اعلیحضرت و دخترشان همسرشان در پشت دیده میشود
رابای بوتک با ای پک و دیگر سامانه های یهودی وابسته به لابی اسرائیل ارتباط تنگاتنگ دارد که همگی ضد ایران و طرفدار
حمله نظامی به ایران هستند.

شخصیت ذاتی نوعی از شخصیت است که صاحب شخصیت نماد هویتی را نمایندگی میکند مانند پیامبران
در ادیان و شاه در فرهنگ کشورها.

ترورشخصیت های ذاتی نه ممکن است و نه کارساز. تمام پیامبران ادیان با اتهامات بسیاری مواجه بوده
اند ولی می بینیم که آن ترورهای شخصی زود گذر و بدون رسوب گذشته است.

در مورد پادشاه هم ترورشخصیت شاه در فرهنگ ما بی مورد و اصلا بکلی نامعقول است ادبیات فردوسی
و بسیاری نظیر آن و اینکه شاه سایه خدا در فرهنگ ایرانیان شناخته شده اینها و همچنین ذکر عدم مسئولیت
شاه در قانون اساسی، توجه ترورشخصیت را از شاه و بطور کلی شخصیت های نهادی دور میسازد.

اما شخصیت اکتسابی، ناشی از مقام و موقعیتی است که تحت ضوابط مصوب (نص قانونی و یا شرعی و یا نص حاصل از شخصیت های حقوقی) به شخصی تعلق میگیرد و این نوع شخصیت است که هدف آشنا و شناخته شده ترورشخصیت است.

شخصیت فرضی یا مجازی

بانوع دیگری از شخصیت هم مواجه هستیم که شخص خودش برای خودش شخصیت میسازد. این نوع شخصیت مجازی و فرضی است و چون آن شخصیت اساس قانونی و برخاسته از نص نیست ترور آن شخصیت در مفهوم واقعی متوجه آن شخصیت نمیشود و موضع آن شخص طرف اتهام قرار گرفتن است و اثرات آنهم محدود است به خود آن شخص و با اثرات ترورشخصیت که سبب ازپا افتادن از مقام و اعتبار و احترام عمومی است که قابل مقایسه نیست.

نمونه ای که میتوان از شخصیت ذاتی و شخصیت مجازی آورد موقعیت اعلیحضرت است؛ ایشان در سالهای نخست دهه ۶۰ به اعتبار سوگند سلطنت و قانون اساسی مشروطیت دقیقاً واجد شخصیت نمادی و ذاتی بوده اند عبارت زیرنشانی از باور ایشان به شخصیت نمادی خودشان است:

>سلطنت نمادی است که بیان کننده حفظ ملیت، حفظ فرهنگ و حفظ تمامیت ارضی مملکت و حفظ استقلال فکری و روحی است.<

ملاحظه میکنید که هیچیک از آنها که از ارکان سلطنت است، در منطق فلسفی قابل ترورشخصیت نیستند. اظهارات ایشان در سالهایی که بر عایت اختصار سالهای پشت به قانون اساسی و سوگند سلطنت نامیده میشود نمونه کامل ایجاد شخصیت مجازی و فرضی است از جمله:

>استقبال و طرفداری مردم از من بخاطر حرفها و نظرات خود من است< این نوع شخصیت مجازی و فرضی است.

ترور شخصیت بحای ترور فیزیکی

امروزه ترور فیزیکی که غالباً پرسر و صدا و با حساسیت جامعه برخورد دارد جای خودش را به ترورشخصیت داده است ترورشخصیت همان ترور فیزیکی است با این تفاوت که در ترور فیزیکی شخص ترور شده جسماً مرده است و ممکن است شخصیت او محفوظ و محترم مانده باشد ولی در ترورشخصیتی ترور شده جسماً زنده است و از باب شخصیت و اعتبار و آبرو مرده بتمام عیار است و اینجاست که برای افراد باشخصیت و یا نمایندگان طیفهای مختلف اجتماع ترورشخصیت به مراتب کارسازتر از ترور فیزیکی است.

یکی از جهت هائی که ترورشخصیت جایگزین ترور فیزیکی شده این است که ترور فیزیکی جرم جنائی است ولی ترورشخصیت در مراحل پیچیده اثبات، کمتر ممکن است عامل ترورشخصیت شناخته شود و یا فعل انجام شده در قاعده جرم، قابل شناسائی گردد.

امروزه ابزار ترورشخصیتی چنان وسیع و عامیت پیدا کرده که بسادگی نمیتوان استفاده از آن ابزار را جرم تلقی کرد ولی این موقعیت برای ترورهای فیزیکی نیست.

تلاش این تحریر

نویسنده این تحریر خیلی تلاش فکری بکار برد تا دریابد که آیا میتوان برنامه اجرا شده در سالگرد هالوکاست رابه پای ترورشخصیت اعلیحضرت گذاشت یا خیر.

زیرا گرچه هدف از ترورشخصیت تخریب شخصیت ومنزلت اجتماعی شخص مورد نظراست ولی باید توجه داشت که رکن اصلی برای تطبیق عملی که منتج به ترورشخصیت میشود اتهام، صحنه سازی های خلاف واقع، دروغ سازی، جعل، سندسازی، گواهی ونقل قول نادرست وامثال آنهاست؛ درحالیکه در جریان هالوکاست نیویورک نه در اعلام طرفداری اعلیحضرت از اسرائیل ونه دادن لوح تقدیر هیچکدام از عواملی که از ارکان ترورشخصیت اعلیحضرت باشد وجود نداشته است.

بعد سعی شد که ان جریان، در قاعده کُره و تحمیل واضطرارومسانلی از این دست قرارگیرد که آنهم قابل قبول نبود زیرا کره همانطور که استحضار عامه است از موارد فوری وفوتی است که مکره در اولین فرصت باید از آن استفاده کند که در مورد بحث، با آنکه بقراریاد آوری، حضور اعلیحضرت انشاء مقام شد ولی استفاده نفرمودند واین قرینه صارفه ای میتواند باشد که کره وتدلّیس وامثال آنها شامل مورد نمیشود.

درحالیکه اعلیحضرت دریافت کمک مالی وتدارکاتی از اسرائیل را اعلام واقرار عام فرموده اند (مصاحبه با تلویزیون اسرائیل) دلیلی ندارد که طرفداری از آن کشور را امرتحمیلی ویا کره ویا کارخلاف اخلاق بدانند.

افتراق دیگر بین ترور فیزیکی وشخصیتی

✓ یکی از جهات افتراق ترورشخصیتی با ترور فیزیکی این است که برخلاف ترور فیزیکی، طرف ترور شخصیتی به سادگی زیر چرخهای اتهام و دروغزنی وامثال آنها خرد نمیشود مقاومت میکند وتاسرحد جان ومال از شخصیت واعتبارخودش دفاع میکند واز همه مهمتر همانطور که در ترور فیزیکی دوستان وبستگان وهمفکران آن شخصیت ترورشده در مراسم درگذشت آن شخصیت مشارکت میکنند همانطور هم دوستان وهمکران وهمراهان آن شخصیت سیاسی هدف ترورشخصیت، با تمام قوا تلاش میکنند که اعتبار و حیثیت ومنزلت شخص هدف ترورشخصیت محفوظ وبا اعتبار بماند در این خصوص است که نقش طرفداران آن شخصیت موثری کامل در عدم موفقیت وتا تضعیف برنامه ترورکننده شخصیت میشود.

✓ همانطور که شواهد بسیاری گواه است که ترور فیزیکی غالبا بوسیله نزدیکان ودوستان ترورشونده، برنامه ریزی میشود (ترور بختیار- آریامنش - فریدون فرخ زاد وتور چمران که بوسیله ابوشریف ازدوستان او صورت گرفت = کتاب اسرار انقلاب ۵۷) در ترورهای شخصیتی هم دوستان ظاهری ومامورینی که ماموریت تخریب شخصیت را دارند نقش بسیار موثری در زوال شخصیت عهده دارا خواهند بود.

✓ در این مورد بهترین و زنده ترین شاهد نقش دوستان و نزدیکان و خدمه دبیرخانه اعلیحضرت است که هر یک به نوبت و سهم خود بخشی از اعتبار و شخصیت و حشمت اعلیحضرت را بر باد دادند؛ که از باب مثال نمیتوان از یاد برد که احمد قریشی بود که خطاب به احمد مدنی (کارگذار و یار جان برکف امام) گفت: <رضا پهلوی دیگر ادعائی ندارد> و وقتی این ماموریت او تمام شد قریشی آب شد و دیگر کس ندانست او که بود از کجا آمد و به کجارت. و یا داریوش همایون که ذکرش مزید تاسف و یادش موجب تجدید تنفر است.

اگر ترورشخصیتی نیست پس چیست

این تحریر ضامن است که با توضیحاتی که آورد اکنون پاسخ این پرسش را بیاورد که اگر دستاورد جریان هالوکاست یعنی اعلام طرفداری اعلیحضرت از اسرائیل و تفویض لوح تقدیر به اعلیحضرت نوعی ترور شخصیت اعلیحضرت نبوده پس ماهیت آن چه بوده است.

یاد اکثر بضاعت و دوره گردی افکار و استفاده از ملاحظات تاریخی میتوان گفت؛ آنچه که در مراسم بزرگداشت هالوکاست در رابطه با اعلیحضرت روی داد صرفاً تدارک و زمینه سازی با هدف مشخص بوده است.

توضیح و دفاع "زمینه سازی با هدف مشخص"

هر اقدام و عملی نیاز به ابزار و حرکت های مقدماتی است. هیچ امری و کاری خود به خود صورت نمیگیرد. در تطبیق مورد آیا میتوان گفت که اعلیحضرت بدون مقدمه و دعوت و استحضار از دستوراتی که قرار بوده در آن جلسه اجرا شود، تصادفاً در آن جلسه با همسرشان و دخترشان حضور یافتند و آن مطلب زشت و سبک و پربار از اتهام یعنی اعلام طرفدار اسرائیل بودن اعلیحضرت و همچنین آن لوح تقدیر هم فی البداهه همان جا چون کسی نبود بنام اعلیحضرت رقم خورد؟ البته که خیر هیچ عقل سالمی این ادعا را نمیکند و هیچ دیوانه ای هم آنرا قبول نمیکند.

سوال بعدی این میشود که تشریفات بالا که سایه ای از آن عرض شد نه تنها بخودی خود صورت پذیر نیست بلکه افراد کارکشته و واردی باید دست اندر کار قضیه باشند؛ فردی که این موقعیت را نزد اعلیحضرت دارد رئیس دفترایشان یعنی رضا پیرزاده است که مجری سیاست دستگاه اطلاعی فرانسه معرفی شده است و فرانسویان تنها کشور اروپائی هستند که در همه موارد تلاش دارند که به اسرائیل خدمتی کرده باشند.

قرینه ای که موضوع را روی نقش پیرزاده متوقف میکند این است؛ همانطور که در ترورهای فیزیکی دوستان نزدیک و پیروان شخص ترور شده در مقام کنکاش برای شناخت تروریست و دستگیری او اقدام میکنند، در ترورهای شخصیتی هم دوستان و در راس آنها مسئولین دفتر آن شخصیت، در عین اینکه سعی میکند کانون ترور را شناسائی نمایند سرعت برای مقابله با اثرات ترورشخصیت برمیآیند مگر اینکه خود آن مسئول با انجام برنامه ترور موافق و یا ترورشخصیت از اجزای طرحی باشد که با دست اندر کاری مسئول دفتر آن شخصیت برنامه ریزی شده باشد.

دستآورد اسرائیل

مهمترین دستآورد اسرائیل، تحکیم برنامه استقلال اقلیت های کرد در کشورهای خاورمیانه و ایران است.

درست است که شورای تجزیه طلبان زمینه های تجزیه کشوری ایران را فراهم ساخته و آنرا بنا بر ادعای خود به امضا ۲۰ هزارگروه و شخصیت ایرانی رسانده ولی ملات اجرایی این قدرت نمیتواند بدون اتکای کشور خارجی از قوه به فعل درآید حتی کمک مادی اسرائیل هم کافی بمقصود نیست. **اعلام اسرائیل به طرفداری اعلیحضرت رئیس شورای تجزیه طلبان از اسرائیل یک وصلت سیاسی بین شورای تجزیه طلبان و رئیس آن از یکطرف و اسرائیل از طرف دیگر است به این معنا که شورای تجزیه طلبان از اصل و فرع و رئیس و مرنوس و افق و غیره از ابواب جمعی اسرائیل در مسائل ایران خواهد بود.**

اسرائیل تا کنون در مسئله ایران پایگاهی نداشته و هرچه بود وهست اصلاح طلبان داخل کشور که کاملا متمایل و در اختیار آمریکا میباشند و آنها هم علی الاصول تمایلی به اینکه زیر چتر اسرائیل قرار گیرند ندارند؛ اکنون اسرائیل با برنامه هالوکاست نیویورک به پایگاه مهمی که اپوزیسیون جمهوری اسلامی در خارج از کشور است (شورای تجزیه طلبان) دست یافته و میتواند در معاملات با آمریکا از این گوسفندان قربانی خیلی خوب استفاده کند.

مادامی که از این اعلام عام اسرائیل و یا لوح تقدیر، از سوی اعلیحضرت رفع اثر نشود شخص

اعلیحضرت و طرفدارانشان (شورای تجزیه طلبان) در همه اقدامات اسرائیل از فشار به ایران

و تصرفات در اراضی اشغالی فلسطینی ها که قطعنامه شورای امنیت آنرا محکوم کرده است،

از کشتار فلسطینی ها و احتمالا حمله هوایی به ایران شریک خواهند بود. مبارکشان مباد از

این کار ناستوده و خیانتی که بعد از ۳۰ سال بنام ایرانیان خارج از کشور ثبت در اسناد مبارزه

کرده اند.

شاهد ثبوت

اخیرا گزارشی منتشر شده است از بازدید خانم مرکل صدر اعظم آلمان از ترکیه؛ در آن گزارش که از جاوید ایران درخواست دارم در صورت امکان آنرا در پایان این تحریر الصاق کنند، آمده است اردوغان مرکل را دعوت کرد که روی یک صندلی ساخت از طلا که مربوط به زمان حمورابی بوده و داعش از موزه عراق غارت و به اردوغان هدیه کرده بنشیند. گزارش میگوید که خانم مرکل این درخواست و یا دعوت اردوغان را نپذیرفت - میدانید خودداری خانم مرکل از چه جهت بوده؟ تائید ضمنی عمل البغدادی به غارت عراق از ناحیه خانم مرکل.

در تطبیق مورد کسانیکه از جریان طرفداری و لوح تقدیر آگاه هستند و میدانند وقتی از جانب کشوری به شخصی دیگری عنوان طرفداری و لوح تقدیر داده شود، مفهوم آن، خدمت طرفدار به سیاست کلی آن کشور و نوعی وابستگی و حاملگی سیاسی و محتوای آن خیانت به کشور خودی است، و این درست دارای موقعیت مشابه خانم مرکل در جریانی که عرض شد خواهد بود؛ که خانم مرکل، با رد دعوت به استراحت چند دقیقه ای روی صندلی غارت شده از سوی البغدادی (داعش) نخواست شریک اقدامات اردوغان و البغدادی شناخته شود.

آدمهای خوب

بر پیرزاده ها و اخلاق باخته ها و ابوشریف ها حرجی نیست که آنها عمه های شر هستند؛ ولی آیا از بین آن ۲۰ هزار نفری که ماده ۱۱ شورای تجزیه طلبان را امضا کرده اند یک آدم بارگ وجود ندارد که از درک این نکبت و ننگ عظیم تاریخی غافل نماند و منقاصی رفع اثر از آن بشود؟

آدمهای خوب، دست روی دست نگذارید حداقل اعتراض کنید.



◆ افشاگری صدر اعظم آلمانی علیه اردوغان!!

«آنگلا مرکل» صدراعظم آلمان که هفته گذشته (نیمه ماه مه ۲۰۱۶) برای مذاکره در مورد آوارگان جنگ داخلی سوریه به ترکیه رفته بود در بازگشت از آنکارا مطالب جالبی از اغتشاش فکری و روانی «رجب طیب اردوغان» رئیس جمهور ترکیه را افشا کرد.

خانم مرکل که آشکارا میکوشید در پرده و با احتیاط صحبت کند اظهار داشت: «ترکیه کشوری بود که طی دهه گذشته با سرعت به دنیای مدرن و پیشرفته پرتاب شد اما اکنون در حال بازگشت به روزگاران سیاه گذشته است!»

همچنین «هانس شیللر» مترجم وزارت خارجه آلمان که در این سفر همراه صدراعظم آلمان بوده است در مصاحبه با خبرنگاران آلمانی از وجود اشیا تاریخی و باستانی سوریه و عراق در کاخ عظیم تازه ساخت ریاست جمهوری ترکیه ابراز شگفتی کرد و گفت: «سرکرده داعش آثار منحصر به فرد موزه های عراق و سوریه را به ترکیه اهدا کرده است!»

مترجم آلمانی صدراعظم آلمان که در ملاقات های خانم مرکل با اردوغان حضور داشته است با ابراز شگفتی از انتقال اشیا و آثار تاریخی موزه های عراق و سوریه به کاخ ریاست جمهوری ترکیه فاش ساخته است که صندلی تمام طلای باستانی منسوب به حمورابی یکی از پادشاهان باستانی است توسط ابوبکر البغدادی به شخص اردوغان هدیه شده است!

در این سفر اردوغان، رئیس جمهور ترکیه از صدراعظم آلمان دعوت کرده تا روی این صندلی بنشیند اما خانم مرکل این دعوت را رد کرده است!

مترجم آلمانی خانم مرکل که قبلا در سفارت آلمان در ترکیه خدمت کرده است به خبرنگاران گفته است: «اردوغان در ملاقات با صدراعظم آلمان بیشتر شبیه یک بیمار روانی خود شیفته به نظر میرسید تا رئیس یک کشور! و در اظهارات خود رعایت عرف دیپلماتیک و پروتکل ها را نمی کرد! وی در حین مذاکرات از سابقه کار خانم مرکل در آلمان شرقی سابق سنوال کرد و پرسید آیا حقیقت دارد پدر شما (پدر صدراعظم آلمان) برای سازمان جاسوسی و امنیت آلمان شرقی سابق (اشتازی) کار میکرده است؟» هانس یوهان شیللر (مترجم ترکی استانبولی وزارت خارجه آلمان) همچنین گفته است علت اصلی جنگ در سوریه منابع عظیم گاز قطر است!

داعش را کمپانی های نفت و گاز اروپا و آمریکا با حمایت مالی گسترده و سخاوتمندانه قطر و عربستان سعودی ایجاد کردند تا با تغییر رژیم سوریه گاز قطر و نفت عربستان را از طریق خط لوله و با عبور از سوریه و ترکیه به اروپا برسانند و وابستگی اروپا به نفت و گاز روسیه را برای همیشه قطع کنند!





از چپ به راست در مراسم چهارمین سال قهرمانان پاسدار ارزش های اسرائیل و هلوکاست: ربابی شمولی، اعلیحضرت رضا شاه دوم، والاحضرت یاسمین همسر اعلیحضرت، پاملا اندرسون، هنرپیشه سکسی وبازیگر سینما - میهمان سرشناس مراسم.





شeldon ادلسون، شخصیت جهانی یهود طرفدار بمباران ایران و حمله نظامی به ایران

HONORED GUESTS



YOKO ONO



REV. BERNICE KING

CEO, Martin Luther King Jr. Center



REZA PAHLAVI

Crown Prince of Iran



DR. MEHMET OZ



CONGRESSWOMAN TULSI GABBARD

Vice-Chair, Democratic National Committee



CONGRESSMAN ED ROYCE

Chairman, House Foreign Affairs Committee



BRET STEPHENS

The Wall Street Journal



ELI BEER

Founder, United Hatzalah of Israel



DR. REBECCA KOOK

Daughter of Holocaust Activist Peter Bergson



AMIR OHANA

Member of the Knesset, Chairman of LGBT Caucus of Likud